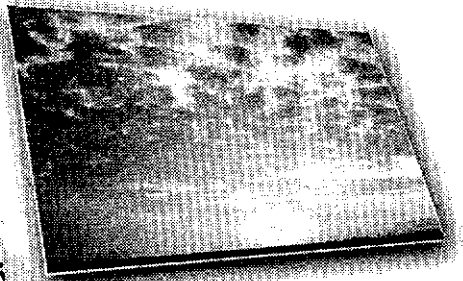


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 اِنَّا نُرْوِیْهِ لَیْلًا نَزْلًا مِّنْ سَمٰوٰتٍ سٰوِیٰتٍ
 لِّتُنذِرَ بَاۡسًا مِّنْ قَبْلِ الْاٰسٰفِ
 اِنَّا نَحْنُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ
 اِنَّا نَحْنُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ
 اِنَّا نَحْنُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ



نظری بر

سوره طارق

دکتر ناصر رسولی بیرامی

سوره الطارق یکی از سوره‌های کوتاه قرآن است که درباره رستاخیز انسان پس از مرگ سخن می‌گوید و چنین می‌نماید که خداوند در این سوره می‌خواهد به سؤال کسانی پاسخ دهد که رستاخیز و زنده شدن دوباره انسان‌ها را غیرممکن و بعید می‌دانند و به آن ایمان و اعتقادی ندارند. گویی خداوند قصد دارد تا با این سوره، این افراد را در مورد رستاخیز انسان‌ها مطمئن و متقاعد سازد. روش معمول قرآن در این گونه موارد و هنگام بحث در مورد رستاخیز انسان‌ها، اشاره به عظمت خلقت است تا انسان بر قدرت، علم و حکمت بی‌پایان خداوند پی ببرد و آنگاه آسان بودن انگیزش و رستاخیز انسان‌ها توسط خداوند برای آدمی مشخص شود. در این سوره نیز خداوند همان روش معمول را برمی‌گزیند و به عظمت خلقت اشاره می‌نماید تا انسان به عظمت جهانی که خداوند آن را آفریده است و همچنین خلقت خودش بنگرد تا برایش مشخص شود که خدای حکیم و توانا، قادر به رجعت دوباره انسان است.

اگر چه سوره الطارق از سوره‌های بسیار کوتاه قرآن است، اما در تفسیر بعضی از آیات آن، بخصوص آیه شماره ۷، اختلاف شدیدی بین مترجمان و مفسران دیده می‌شود. از طرف دیگر ترجمه‌ها و تفاسیر موجود، نه با علوم امروزی، نه با عقل و منطق هماهنگ است،

بنابراین مفسرانی همانند علامه طباطبایی از تفسیر این آیه به صورت سطحی می گذرند و طالبان تفسیر این آیه را، به کتاب های دیگر ارجاع می دهند. در حالی که این کتاب ها تنها توجیهی بر ترجمه و تفسیرهای غلط موجود می باشند!

با توضیح فوق، ما در این مقاله به تفسیر سوره الطارق و آیه مذکور - به صورت خلاصه - می پردازیم تا شاید جرعه ای گوارا بر تشنگان تفسیر سوره و آیه یاد شده باشد.

سوره الطارق با آیاتی درباره طبیعت و جهان آغاز می شود. خداوند در ابتدای این سوره به آسمان و طارق قسم می خورد و طارق را بعنوان ستاره درخشان یعنی ثاقب تعریف می کند. *والسّماء والطّارق . وما ادراك ما الطّارق . النجم الثاقب (طارق، ۸۶ / ۱ - ۳)* قسم به آسمان و طارق. و چه می دانی که طارق چیست؟ ستاره ای درخشان!

سپس خداوند از این که انسان از بین نمی رود سخن می گوید و به مراحل از خلقت انسان اشاره می کند تا آنها که برایشان خلقت دوباره بعید می نماید به این خلقت که در برابر آنها قرار گرفته بنگرند، تا به قدرت خداوندی پی ببرند و بدانند که خداوند توانا تر از آن است که آنها می اندیشند: *ان کل نفس لما علیها حافظ . فلینظر الانسان مم خلق (طارق / ۴ و ۵)* هیچ کس نیست مگر آن که بر او حافظ و نگهبانی وجود دارد. (تا او را از نابودی در چرخه حیات حفظ کند و خداوند در دوباره او را زنده نماید!) پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است! *خلق من ماء دافق (۶)* او از آبی جهنده آفریده شده است! اما آیه بعد، آیه ای است که مفسران در تفسیر آن مانده اند یا به راه اشتباه رفته اند. و آیه این است: *یخرج من بین الصّلب و الترائب (۷)* اشکال از آنجا پیدا شده که مفسران این آیه را، توضیحی بر آب جهنده یعنی «ماء دافق» فرض کرده اند که در آیه قبل به آن اشاره رفته بود. بنابراین نتوانسته اند پاسخ دهند که چگونه این آب جهنده از پشت و شکم انسان خارج می شود زیرا محل خروج و محل تولید این آب کاملاً

● **سوره الطارق با آیاتی درباره طبیعت و جهان آغاز می شود. خداوند در ابتدای این سوره به آسمان و طارق قسم می خورد و طارق را بعنوان ستاره درخشان یعنی ثاقب تعریف می کند.**

مشخص است. اشتباه مترجمان و مفسران این است که این آیه درباره خلقت انسان سخن می گوید و سخن آن درباره محل استقرار یا تولید آب جهنده نیست و در واقع در این آیه و آیه قبلی، انسان در تقدیر است. یعنی آیه ششم و هفتم در واقع به این گونه اند: «خلق الانسان من ماء دافق، یخرج الانسان من بین الصلب والترائب» و آیه به این معنی است که انسان از آبی جهنده خلق شده و از شکم مادر بیرون می آید. در کتاب های لغت و تفسیر نیز یکی از معانی صلب، قسمت پشت بدن، و ترائب، قسمت جلوی بدن است و بین قسمت پشت و جلو بدن، همان شکم است. با این مضمون چندین آیه دیگر نیز در قرآن وجود دارد. خداوند در آیه ۷۸ سوره نحل می فرماید: و الله اخرجکم من بطون امهتکم... و خداوند شمارا از شکم مادرانتان بیرون آورد... و همچنین در آیه ۵ سوره حج می فرماید: و نفر فی الارحام ما نشاء الی اجل مسمی ثم نخرجکم طفلا... و ما آنچه بخواهیم در رحم ها قرار می دهیم سپس شما را به صورت طفلی بیرون می آوریم... یا در سوره غافر آیه ۶۷ می فرماید: هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقه ثم یخرجکم طفلا... او کسی است که شما را از خاک، سپس از نطفه و سپس از علقه آفرید و بعد شما را به صورت طفلی بیرون می آورد... .

همچنان که مشاهده می شود این آیات نیز بر بیرون آمدن انسان از شکم مادر یا بطن او و به عبارت دیگر از بین قسمت پشت و جلو بدن او یعنی از بین صلب و ترائب اشاره دارد. خداوند در ادامه سوره و بعد از یاد آوری آیاتی از قدرت و توان خداوندی، به زنده شدن و رجعت دوباره انسان اشاره می کند و می فرماید: خداوندی که این قدرت و توان را دارد، بر رستاخیز و رجعت دوباره انسان نیز تواناست. انه علی رجعه لقادر (۸)

نگاهی دوباره به نحوه و ترتیب آیات و نحوه پاسخ گویی به این سؤال که رجعت و رستاخیز دوباره انسان چگونه ممکن است؟ آیات این سوره را مشابه با پاسخ این سؤال در آیات و سوره های دیگر می نماید. خداوند در اوایل سوره ق در مقابل این سؤال کافران که می پرسند: آیا وقتی مردیم و خاک شدیم، می شود دوباره زنده شویم؟ این برگشت و زنده شدن ممکن نیست! عظمت خلقت را یادآوری می کند و می فرماید: آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نمی کنند که چگونه آن را بنا نهادیم و آن را آرایش دادیم به نحوی که در آن شکافی نمی بینند و زمین را که گستراندیم و در آن کوهها قرار دادیم و در آن گیاهان سبز و خرم آفریدیم و از آسمان، که آبی پر برکت می فرستیم و از آن دانه ها و باغ ها پدید می آوریم....

در آیات ۴۹ تا ۵۱ سوره انعام نیز از عظمت رستاخیز انسان پس از مرگ سخن می رود و

رستاخیز روزی است که رازها آشکار می شود و انسان در آن روز نیرو و یاوری ندارد.

خداوند انسان را به خلقت اولیه خودش تذکر می دهد که چگونه خداوند برای اولین بار انسان را آفرید. پس خداوندی که اولین بار انسان را آفرید می تواند دوباره او را زنده کند. در آیه ۵ سوره حج می فرماید: هان

ای مردم! اگر درباره رستاخیز انسان شک و شبهه دارید، بدانید که ما شما را از خاک، سپس از نطفه، سپس از خون بسته، سپس از گوشت آفریدیم و ما در رحم های مادران هر چه بخواهیم بی شکل و شکل یافته تا زمانی معین قرار می دهیم. سپس شما را به صورت طفلی از شکم مادران بیرون می آوریم تا این که به کمال قدرت می رسید و بعضی از شما قبل از پیری می میرید. و بعضی به پیری و فرتوتی می رسد به گونه ای که دانایی اش از بین می رود و زمین را مرده و پژمرده می بینید و وقتی بر آن باران بیاریم زنده شده و سبز می شود و بسیار از گونه های سبز و خرم در آن می روید.

دقت در این آیات و آیات اول سوره طارق، تشابه شکل، مضمون و محتوای آنها را به خوبی و وضوح نشان می دهد و این خود تأییدی دیگر بر تفسیر ما از این سوره و آیه شماره ۷ آن می باشد. اما خداوند بعد از سخن از رستاخیز انسان ها و در ادامه سوره، به زمان رجعت و رستاخیز انسان اشاره می کند. گویی کسی که درباره رستاخیز سؤال کرده امکان رستاخیز و بعث انسان ها را قبول کرده و قانع شده است و اکنون این سؤال را دارد که زمان رستاخیز کی و خصوصیات آن چیست؟ بنابراین خداوند به پاسخ آن می پردازد و می فرماید: رستاخیز روزی است که رازها آشکار می شود و انسان در آن روز نیرو و یاوری ندارد. یوم تبلی السرائر. فعالمه من قوه و ناصر (۹ و ۱۰) و بعد از این آیه خداوند بار دیگر به عظمت خلقت اشاره می کند تا صدق این گفته نیز ثابت شود: سوگند به آسمان باران دار و زمینی که با گیاهان بر می شکافد. به راستی که این سخنی قطعی است و یاوه و شوخی نیست. اما کافران این سخن را به بازی می گیرند و نیرنگ می کنند. پس من نیز آنها را به بازی می گیرم. پس کافران را مهلت بده و کوتاه زمانی به خودشان واگذار: والسما ذات الرجوع. والارض ذات الصدع. انه لقول فصل. و ما هو بالهزل. انهم یکیدون کیدا. و اکید کیدا. فمهل الکافرین امهلهم رویدا. (۱۱-۱۷)